

می‌توان دریافت که در دوران معاصر مطالعات با هدف تحلیل آیین‌های عاشورایی شیعیان از منظر تاریخ، پدیدارشناسی دین، مردم‌شناسی و علوم رسانه‌ای گسترشی بی‌سابقه پیدا کرده‌اند.

شیوه‌های عزاداری شیعیان در بوم‌های کهن شیعه‌نشین متمرکز بود. سبب روی آوردن به چنین مطالعاتی آن بود که اولاً، تحركات سیاسی شیعیان در سطح جهانی چنان گسترده شده بود که چنین مطالعاتی را ایجاب می‌کرد؛ و ثانیاً، مطالعات عاشورا پژوهانه غربی هم‌اکنون به مرحله‌ای رسیده بود که توسعه آن غوری عمیق‌تر در فرهنگ شیعی و نظری از نزدیک‌تر به آن را طلب می‌کرد.

یک مطالعه از این قبیل کوشش قوم‌نگارانه آگوستوس ریچارد نورتون، استاد گروه انسان‌شناسی و روابط بین‌الملل در دانشگاه بوستون، است. نورتون در مقاله‌ای با عنوان «آیین، خون و هویت شیعیان: عاشورا در نبطیه لبنان» می‌خواهد مراسم شیعیان شهر ۳۵ هزار نفری نَبْطِیْه در جنوب لبنان را بررسی کند؛ مراسمی مرکب از اجزایی سنتی و نو که هرچند عالمان مختلف معاصر شیعه و گرایندگان به تفسیر امروزی اسلام با اجزای سنتی آن مخالف‌اند، آن اجزا همچنان به بقای خود ادامه می‌دهند.^{۱۸}

۵. معنای عاشورا برای سنت‌گرایان معاصر

آخرین دوره مطالعات غربیان درباره آیین‌های عاشورایی از دهه ۱۳۹۰ش به بعد آغاز می‌شود و به نظر می‌رسد نتیجه تکامل مرحله پیشین است. غربیان در این دوره علاقه‌مند به مطالعه تحریرهایی از عاشورا شده‌اند که گزارندگانشان در تلاش برای احیای سنت‌های کهن خویش در سازگاری با فرهنگ جهانی غرب موفق بوده‌اند: شیعیانی که هر یک در جامعه‌ای اقلیت محسوب می‌شوند و در عین حال کوشیده‌اند از موضعی مخالف با اکثریت حاکم بر جامعه خود آیین‌های سنتی خود را حفظ کنند. این شیعیان اقلیت گاه در برابر اکثریتی از اهل سنت قرار گرفته‌اند و گاه در برابر

شیعیانی که خوانش انقلابی از اسلام را ترویج می‌کنند. ظاهراً هدف در این دوره از مطالعات همین است که ببینند شیعیان سنتی خود چه روش‌هایی برای مقابله با شیعیان انقلابی و طرفدار جمهوری اسلامی ایران یافته‌اند، چگونه توانسته‌اند بقای نهادهای سنتی جامعه شیعی را تضمین کنند، و این تشیع سنتی چه ارتباطی با آن تشیع مدرن پیدا می‌کند.

از حدود دهه ۲۰۱۰م/ ۱۳۹۰ش به بعد گرچه مطالعاتی با رویکرد‌های پیشین هم امتداد پیدا می‌کند، مطالعه آیین‌های عاشورایی سمت‌وسوی دیگری نیز می‌یابد: پژوهشگران در این دوره علاقه‌مند به مطالعه تحریرهایی از عاشورا شده‌اند که نوعاً گزارندگانشان در تلاش برای نوعی احیای سنت‌های کهن خویش در سازگاری با فرهنگ جهانی غرب‌اند؛ یعنی در عین آنکه زیست مدرنی دارند، نگاهی سکولار به مراسم مذهبی را پی می‌گیرند.

برای نمونه، میشل ثابت این را تحلیل می‌کند که چطور گردانندگان سنتی حسینی شهر نبطیه در جنوب لبنان توانسته‌اند از رقابت دو گروه شیعه سیاسی امل و حزب‌الله به نفع خود بهره‌جویند و بقایشان را تداوم بخشند.^{۱۹} همین رویکرد را در دیگر مطالعات صورت گرفته از ۲۰۱۰م/ ۱۳۹۰ش به بعد می‌توان دید. مثلاً، وقتی مک‌مورای توضیح می‌دهد شیعیان برلین چگونه کلیسای کهنه را خریده و تبدیل به حسینیه کرده‌اند،^{۲۰} یا توضیح می‌دهد چگونه در مراسم عاشورایشان با بهره‌گیری از رسانه صدا (طبل‌های بزرگ و آمپلی‌فایر) متعمدانه آلودگی صوتی پدید می‌آورند و به قول عالمان علوم رسانه بازرسانگی را موجب می‌شوند^{۲۱} یا با سیر در خیابان‌ها ترافیک را کند می‌کنند^{۲۲}، می‌خواهد نشان دهد شیعیان در این بوم‌ها چگونه می‌کوشند از یک سو آداب سنتی هویت‌بخش خود را نگاه دارند و از دیگر سو بوم غربت را برای خودشان تبدیل به وطن کنند.

تحلیل کلی روند مطالعات

بر پایه آنچه گفته شد می‌توان دریافت که در دوران معاصر مطالعات با هدف تحلیل آیین‌های عاشورایی شیعیان از منظر تاریخ، پدیدارشناسی دین، مردم‌شناسی، و علوم رسانه‌ای گسترشی بی‌سابقه پیدا کرده‌اند. نیز چنین می‌توان دریافت که توسعه این مطالعات ارتباطات معناداری با توسعه قدرت سیاسی و نفوذ فرهنگی شیعیان در سطح جهانی داشته است.

از منظر تاریخ فرهنگی مطالعه درازدامنه‌ای لازم است که در آن تاریخ‌نگاره‌های غربیان از آیین‌های عاشورایی، تحول‌گفتمان‌های علمی ایشان در مطالعه این آیین‌ها، و عوامل مؤثر بر این تحولات بازشناخته شوند. فیلسوفان، دین‌شناسان، شرق‌شناسان، مردم‌شناسان، کارشناسان علوم رسانه و دیگر محققانی که آرایشان مرور شد هر یک به بومی تعلق داشتند. آن‌ها هرگز به صراحت نگفتند که می‌خواهند با مطالعات خود گامی در مسیر مهار و ضبط جنبش‌های شیعی معاصر بردارند. با این حال، اگر بخواهیم وجه اشتراکی میان تلاش‌های ایشان از حدود شصت سال پیش تا کنون بباییم و چنین اشتراکی را هم بازگوکننده ناخودآگاه جمعی غربیان بدانیم، آن وجه اشتراک تلاش برای شناخت آیین‌های عاشورایی شیعیان از حیث معنای سیاسی آن و خاصه با نظر به تأثیر آن بر معادلات جهانی قدرت سیاسی است.

عاشورا پژوهی غربیان با هراس از فعالیت‌های سیاسی شیعیان در آستانه دهه ۱۳۴۰ش آغاز می‌شود؛ یعنی زمانی که حتی هنوز نقطه قیام اسلامی شیعیان ایران بسته نشده است. در این دوره کائتی، ایوب و کیپنبرگ در این آیین‌ها بیش از هر چیز فاصله‌گیری آیین‌گزاران از نظم معمول زندگی را می‌بینند و در این فاصله‌گیری معنای سیاسی می‌جویند. این مطالعات با پیروزی انقلاب اسلامی توسعه پیدا می‌کند،